

مسجد صاحب الزمان (عج) طی جشنی، از نوجوانان و فعالان اجتماعات شبانه قدرانی کرد

شور وطن دوستی در بوستان فدک

عیدگاه

خوشحالم که مسجدی هایمان، دغدغه نوجوانان را دارند و به بهانه های مختلف، برای آن ها برنامه در نظر می گیرند و تشویقشان می کنند.

اوبریایی جشن در بوستان را اقدامی بسیار خوب می داند و توضیح می دهد: بسیاری از افراد غیر مسجدی در جشن حضور دارند و همین موضوع، زمینه ارتباط آن ها با مسجد را فراهم می کند.

محمد حسین علیزاده قاری نوجوانی است که امروز تشویق شده است. او که پای ثابت فعالیت های قرآنی مسجد است، می گوید: در برنامه اعتکاف که چند وقت پیش برگزار شد، شرکت کردم و آنجا به من خیلی خوش گذشت و کلی دوست جدید پیدا کردم. با آن ها هماهنگ کردیم و شب ها باهم به اجتماعات شبانه می آییم.

● پرچم ها برافراشته می ماند

علی اصغر لشکری، از فعالان فرهنگی و اجتماعی محله لشکر، این برنامه را اثرگذار می داند اما گلایه دارد که چرا شهرداری در برپایی آن مشارکت نکرده و حداقل هایی همچون سیستم صوت را در اختیار برگزارکنندگان نگذاشته است.

طاها قدرت پناه پسر نه ساله ای است که برای دوچرخه سواری به پارک آمده است اما آن قدر از فضای برنامه و حضور نوجوانان خوشش آمده که رفته مادرش را آورده تا او را با این گروه هم مرتبط کند.

باتلاوت دعای ظهور امام زمان (عج) برنامه پایان می یابد اما پرچم ها همچنان برافراشته است و علم داران وطن، با پرچم هایی که در دست دارند، به سوی منزل می روند.

فاطمه امیریان بانویی پنجاه ساله و از شرکت کنندگان این جشن است. او می گوید: دو ماه در بستر بیماری بودم و از خانه بیرون نرفتم. امروز که فهمیدم اینجاست، برپاست، آمده ام.

او حضور نوجوانان را از نقاط مثبت این برنامه می داند و می گوید: من که بچه کوچک ندارم اما خیلی خوب است که نوجوانان را جذب مسجد کرده اند و برایشان برنامه می گذارند و در گرداندن برنامه هم از خودشان استفاده می کنند.

● جشنی برای همه

علی اصغر گوهری یکی از افرادی است که در این جشن مورد تقدیر قرار گرفت. او هر شب به اجتماعات می آید و ماشینش را در اختیار مسجد می گذارد تا روی آن، باند های صوتی اجتماعات شبانه نصب کنند.

گوهری می گوید: وظیفه خود مان می دانیم پای کار باشیم. خیلی

فهیمة شهری هنوز دل های مردم پر از خشم و کینه نسبت به دشمنان است و این بیزاری را باروش های مختلف بروزی دهند. این بار فعالان فرهنگی و اجتماعی مسجد صاحب الزمان (عج) در فلاحی ۳۸، مراسمی برای قدرانی از فعالان اجتماعات شبانه و نیز فعالان فرهنگی مسجد تدارک دیدند. آنان با کمک نوجوانان محله لشکر، جشنی در بوستان فدک برپا کردند که حال و هوای متفاوتی نسبت به جشن های قبلی داشت؛ این جشن پر از شور و وطن دوستی بود.

● قدرانی از ۲۸ فعال محلی و مسجدی

هوای بهاری و حضور پر شور مردم و بچه ها، حال و هوای بوستان فدک را پر نشاط تر از همیشه کرده است. علاوه بر اینکه بوستان با ریسه هایی از پرچم ایران تزیین شده است، بسیاری از اهالی محله که در جشن حاضر شده اند، پرچم در دست دارند. یک پرچم بزرگ هم طی برنامه توسط نوجوانان، گردانده می شود، طوری که برای در دست گرفتن آن، باهم رقابت می کنند.

محسن البرز، عضو هیئت امنای مسجد صاحب الزمان (عج)، می گوید: باتوجه به حضور پر رنگ نوجوانان در مسجد، تصمیم به برپایی این جشن گرفتیم تا از آن ها و سایر فعالان محله قدرانی کنیم.

به گفته او در این جشن در مجموع ۲۸ کودک، نوجوان و بزرگ سال محله لشکر تقدیر شد که شامل فعالان در برنامه افطاری ساده، نفرات برگزیده مسابقات نوجوان برتر، مربیان مرتبط با مسجد و به ویژه فعالان اجتماعات شبانه بودند.



مائده محمدزاده از آغاز جنگ تحمیلی سوم هر شب با گواش و قلم مو در اجتماعات حضور دارد

موشک صورتی برای دخترها

امید محله

● خاطره ای از این شب ها داری؟

یک شب روی دست یک دختر تقریباً هفت ساله عکس پرچم کشیدم. گفت دوست دارم این را به رهبر نشان دهم. چطور می توانم این کار را انجام دهم؟ کمی فکر کردم تا بتوانم جواب درستی به او بدهم. از آخر گفتم من از دستت عکس می گیرم و در گروه ها پخش می کنم. خودت هم این کار را بکن تا بالاخره به دست رهبر برسد. خوشحال شد و رفت.

● دوستان جدید هم پیدا کرده ای؟

بله، خیلی زیاد. یکی از برکات این اجتماعات برای من همین بود که با مجتمع فرهنگی منتظر به و حوزه هنری آشنا شدم و با دوستان خوبی که در این مراکز پیدا کردم، در حال یادگیری کارهای جدید هنری، دستی و تولید محتوا هستیم.

● چیزی بوده که توجهت را جلب کرده باشد؟

زیاد. هر شب در این اجتماعات پراز صحنه های همدلی و عشق به میهن است. اما یکی از اتفاقاتی که خیلی برای من جالب بود. هواداری بچه ها از یکدیگر است. هر شب می بینم بچه هایی هستند که با پول توجیبی اندک خودشان برای بقیه بچه ها خوراکی هایی همچون شکلات، چوب شور و... می خرند.

● از حضور هر شب در اجتماعات خسته نشده ای؟

نه اصلاً. این جنگ باعث شد ولایت مدارتر شوم و بیشتر ارزش وطنم را بدانم. اگر قبلاً به عنوان مثال هفته ای یکی دو ساعت برای کارهای فرهنگی وقت می گذاشتم، حالا هر شب و بیشتر از این وقت می گذارم و خسته نمی شوم.

● بیشتر چه نقاشی هایی می کشی؟

اولش با نقاشی پرچم شروع کردم ولی چند شب بعد، خانمی به نام الهام شهرستانی که در این زمینه تجربه داشت و هر شب به اجتماع می آمد، روش های کاربردی و خوبی یاد داد. ایده های جدیدی داشت که از آن استفاده کردم و کشیدن پایپون و پروانه را نیز از او یاد گرفتم.

● بین طرح هایی که گفتی، کدام پرطرفدارتر است؟

بزرگ ترها معمولاً متقاضی نقاشی پرچم هستند. پسر بچه ها موشک فتاح مشکی دوست دارند. دختر بچه ها هم عاشق پایپون با رنگ بندی پرچم و موشک صورتی هستند.



● فهیمة شهری اجتماعات شبانه ای که از آغاز

جنگ تحمیلی سوم و در حمایت از وطن آغاز شد، شور و حال خاصی در اقبال مختلف ایجاد کرد. کودکان، نوجوانان، جوانان، بزرگ سالان و سالمندان، هر کدام نقشی در این تجمعات دارند. در این بین، مائده محمدزاده، نوجوان هفده ساله محله هاشمیه، از آغازین روزهای جنگ، هر شب در اجتماعات محله شان حضور دارد و روی صورت متقاضیان، تصویر پرچم، موشک و... نقاشی می کشد. مائده با پول های توجیبی خودش این کار را شروع کرد و در ادامه، خانواده، همسایه هایشان و سایر مردم همراهش شدند.

● چه شد که تصمیم گرفتی در اجتماعات روی صورت افراد نقاشی بکشی؟

در راهپیمایی های ۲۲ بهمن که شرکت می کردم، دیده بودم افرادی این کار را انجام می دهند و بچه ها خیلی از آن استقبال می کنند. بعد از جنگ تحمیلی سوم که اجتماعات شبانه شکل گرفت، تصمیم گرفتم این کار را در اجتماعاتی که حضور دارم، انجام دهم.

● مواد اولیه را چطور تهیه کردی؟

چند تایی گواش و قلم مو در خانه داشتیم. آن ها را برداشتم، هر چه هم کم بود، با پول توجیبی خودم خریدم.